

قابلیت‌های بستر الکترونیکی در آموزش (زبان)*

نادر حقانی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۳/۲۶

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۷/۸

چکیده

فناوری ارتباطات و اطلاعات در کنار بسترهای فنی، بخش آموزش را نیز متحول ساخته و به‌طور پیوسته و فزاینده، در حال تغییر محیط متعارف آموزشی و یا ارائه بسترهای مختلف یادگیری است. این فناوری، نه تنها تحولی عمیق در ابزارهای کمک‌آموزشی ایجاد کرده، بلکه در ساختار آموزش کلاسیک نیز نفوذ کرده و نوع جدیدی از آموزش را امکان‌پذیر ساخته است، به طوری که در نتیجه چنین تحولاتی، محیط آموزشی با موقعیت متفاوت متعلم و نقش جدید معلم مواجه شده است. بخش آموزش در یک نگاه تقابلی، با سه نوع بستر در قالب آموزش کلاسیک، آموزش الکترونیکی و آموزش نوین حضوری روبرو است که در هر کدام نوع متفاوتی از ارتباط طرفین آموزش (معلم و متعلم) مطرح است. تدریس و تحصیل (زبان) در هر کدام از این بسترها، تغییر نگرش در رفتار آموزشی، تعریفی دوباره از ساختار تحصیلی و بحث و پژوهش در زمینه چگونگی ارائه محتوای مناسب و متناسب با نوع آموزش را می‌طلبد. در مقاله حاضر، قابلیت‌های هر کدام از انواع آموزش بر اساس فاکتورهای تعریف شده در طرح، با نگرشی تقابلی به نگارش درآمده است.

واژه‌های کلیدی: انواع آموزش، بسترهای آموزش، رفتار آموزشی، ساختار تحصیلی، ارائه محتوا

* مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی «بررسی شیوه‌های آموزش زبان (آلمانی) در بستر آموزش الکترونیکی» به شماره ۳۶۳/۴/۱۰۳۷ است که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در حال انجام است.

مقدمه

تلاش در جهت افزایش کمیت و ارتقای کیفیت آموزش، از دیرباز و از زمان تأسیس آکادمی افلاطون تاکنون وجود داشته است و در هر عصری با توجه به امکانات و پیشرفت‌های موجود، گامی نظری و یا قدمی عملی در جهت رسیدن به دو هدف ذکرشده برداشته شده است. با مطالعه سیاست‌های آموزشی گذشته، به دو رویکرد مختلف و متفاوت و یا به تعبیری دو دوره کلی برخورد می‌کنیم: دوره تمرکزگرایی و دوره تمرکززدایی.

در دوره تمرکزگرایی که از گذشته دور و به عبارتی از آغاز «آموزش کلاسیک» تا پیدایش «آموزش از راه دور» ادامه می‌یابد، تمامی تلاش دست‌اندرکاران آموزش، تجمیع همه امکانات در یک نقطه و فراهم کردن تمامی عوامل آموزش در محیط فیزیکی آموزش بوده است. در دوره تمرکززدایی که از زمان پیدایش آموزش از راه دور تا به حال قابل مشاهده است، سیاستی متفاوت و کاملاً در جهت عکس دوره اول یعنی عدم تجمیع امکانات در یک محل و توزیع و تمرکززدایی از محیط آموزشی است. به بیان دیگر، دست‌اندرکاران آموزش در پی آنند تا با به‌کارگیری تمامی آنچه که در اختیار فراگیران است، یعنی با استفاده از محیط فیزیکی خود فراگیر و سایر امکاناتش از قبیل وسایل سمعی و بصری و اخیراً کامپیوتر (بر خط)، محتوای آموزش را به وی عرضه کنند و به تعبیری بهتر، وی را در همان محلی که او می‌پسندد آموزش دهند.

به منظور شناختن قابلیت‌های بسترهای مختلف آموزشی و بررسی امکان ارائه آموزش زبان با شیوه‌های گوناگون در این بسترها، به خصوص بستر الکترونیکی، طرح پژوهشی «بررسی شیوه‌های آموزش زبان (آلمانی) در بستر آموزش الکترونیکی» در چند فاز کاری تعریف گردید. در مقاله حاضر نتایج فاز اول طرح که با دیدی تقابلی به بسترهای آموزشی می‌نگرد، ارائه شده است.

بحث و بررسی

با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات به تمامی عرصه‌های زندگی و از جمله گسترش دامنه آن به محیط بسیار پیچیده، حساس و تا به حال انحصاری آموزش کلاسیک، کارشناسان و دست‌اندرکاران حوزه آموزش نیز به فکر استفاده از این فناوری در مدارس و مؤسسات

آموزشی از جمله دانشگاه‌ها افتادند. افزایش تعداد دانشجویان و کاهش بودجه سالانه، در کنار درخواست صنایع که انتظار دارند دانشگاه‌ها در کمترین زمان ممکن، دانشجویانی با کیفیات مورد درخواست بازار کار تحویل آن‌ها دهند، آموزش کلاسیک (classroom-Learning) در دانشگاه‌ها را با چالش مواجه ساخته است (نابیر، پایگاه اینترنتی Ausweb02). از جمله مهمترین اهداف دست‌اندرکاران استفاده از بستر الکترونیکی در آموزش، اصلاح فرایند آموزش و تسریع در روند انتقال دانش و به عبارتی، تحول در تمامی عوامل و فاکتورهای آموزش، اعم از شیوه آموزش، محیط آموزش، ابزارهای آموزش، برنامه آموزش و زمان و محتوای آموزش است. با توجه به این که بهینه‌سازی هر کدام از این عوامل، یا باید در راستای تسریع روند (کمی و کیفی) انتقال دانش و یا گسترش حوزه انتقال دانش و یا هر دو آن‌ها باشد، لازم است قابلیت‌های هر بستر (جدید) آموزشی در مورد عوامل فوق دقیقاً مورد ارزیابی قرار گیرد. از اهداف آموزش نوین و یا هر نوع آموزش دیگری که با آموزش کلاسیک به رقابت می‌پردازد، شکستن محدودیت زمان آموزش و از بین بردن حصار مکان آموزش است. همچنین افزایش کمیت - چه از نظر تعداد متعلمان و چه از نظر عمق و اندازه دانشی که باید انتقال یابد - و نیز ارتقای کیفیت از منظر نحوه ارائه مطالب و انفرادی‌سازی یادگیری با توجه به قابلیت‌های مختلف و دانش ناهمسان جویندگان علم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (کورتسل، پایگاه اینترنتی Ausweb03). دامنه و تغییرات (مثبت) کمی و کیفی در آموزش مستقیم و غیر مستقیم (زبان) از طریق اینترنت، میزان توانایی این بستر در برآوردن نیازهای آموزشی و حصول سریع‌تر و بهتر به اهداف آموزشی، چگونگی استفاده از روش‌های تدریس یا نحوه ارائه محتوای درس به منظور ایجاد و یا به تعبیری انتقال مهارت‌ها از مباحث عمده در آموزش الکترونیکی (زبان) است. اهمیت موارد ذکر شده بسته به آموزش دروس حوزه‌های مختلف علمی دارای شدت و ضعف مختلفی است، چرا که در بعضی حوزه‌ها (مثلاً حوزه‌های علوم تجربی و فنی) اساس آموزش بر پایه ارائه مطالبی مشخص با استفاده از اصول و قواعدی ثابت است. اما آموزش در حوزه علوم انسانی - و خصوصاً زبان - به خاطر ویژگی‌های خاص این حوزه دارای پیچیدگی بیشتری است. به عنوان مثال در آموزش زبان، علاوه بر نحوه انتقال دانش زبانی، تقویت و سنجش دایمی مهارت‌های چهارگانه زبانی (خواندن، شنیدن،

صحبت‌کردن و نوشتن) نیز باید مد نظر قرارگیرد. مضاف بر این که فعالیت‌های آموزشی هدایت شده و غیر مستقیم خارج از کلاس زبان‌آموز نیز باید به طور مداوم تحت کنترل معلم باشد. بنابراین آموزش الکترونیکی زبان به معنای واقعی خود برخلاف تصور معمول و آن طور که از آموزش زبان از طریق سی‌دی‌های آموزشی استنباط می‌شود، به هیچ وجه به معنای آموزش یک‌جانبه نکات دستوری یا تصحیح تلفظ واژگان نیست، بلکه هدف همانطور که گفته شد، تقویت و گسترش مهارت‌های زبانی و همچنین نظارت بر فعالیت‌های آموزشی کلاسی و غیر کلاسی دانشجویان است. به همین جهت آموزش زبان در بستر الکترونیکی - به خصوص در آموزش نوین حضوری (online-Learning) - در قیاس با آموزش در سایر حوزه‌ها، کماکان مستلزم تعامل (دائمی) بین معلم و متعلم از یک سو و متعلم با متعلم از سوی دیگر است. بنابراین آنچه که این نوع آموزش را از آموزش کلاسیک متمایز می‌سازد، نحوه تعامل بین افراد حاضر در محیط مجازی درس است.

همگام با پیشرفت‌های بشر در زمینه فناوری‌های گوناگون، از جمله رسانه‌ها و ابزارهای ارتباط جمعی، نوع و میزان تعاملات در محیط‌های آموزشی نیز دستخوش تغییر و تحولات شگرفی شده‌اند. به طوری که محیط‌های آموزش کلاسیک که در آن‌ها آموزش در قالب انتقال شفاهی (زبانی) محتوا و از طریق مدرس انجام می‌شد، به تدریج با امکانات گوناگون دیگری برای انتقال محتوا روبرو گردید. انتقال چاپی محتوا با استفاده از پیک آموزش، انتقال رادیویی محتوا با استفاده از کانال‌های آموزشی رادیویی، انتقال صوتی محتوا با استفاده از کاست‌های آموزشی، انتقال تصویری محتوا با بهره‌گیری از کانال تلویزیونی و یا ویدیوی آموزشی، انتقال الکترومغناطیسی و آنالوگ محتوا از طریق سی‌دی‌های آموزشی و اخیراً امکانات ماهواره‌ای و بالاخره انتقال دیجیتالی^۱ محتوا یعنی انتقال دائمی در محیطی همیشه باز از طریق اینترنت، بیانگر گسترش امکانات انتقال است. این اقدامات تا به حال همواره یا در جهت تکمیل و تعمیق آموزش کلاسیک صورت گرفته و یا در رقابت با آن بوده است.

۱- واژه دیجیتال در این مقاله به معنی الکترونیکی بودن تمامی صور مختلف داده‌های زبانی اعم از گفتاری (صوتی)، نوشتاری (متنی) و دیداری (تصویری ثابت و متحرک) که قابل ارائه در اینترنت می‌باشند، استفاده می‌شود.

بسترهای آموزش

از جمله رقبای جدید آموزش کلاسیک، آموزش الکترونیکی (electronic Learning/ e-Learning) است. این نوع آموزش در واقع به معنی انتقال محتوا و یا به تعبیر بهتر، انتقال دانش با استفاده از ابزارهای الکترونیکی است. بنابراین هر نوع آموزش که برای انتقال دانش از بستر الکترونیکی استفاده کند، در زمره آموزش الکترونیکی قرار می‌گیرد. بر این اساس آموزش الکترونیکی تعبیری کلی است که طیف متنوعی از انواع آموزش به کمک ابزارهای الکترونیکی را در برمی‌گیرد. شایان ذکر است که آموزش الکترونیکی، بسته به نوع ابزارهای مورد استفاده و دیدگاه کارشناسان، با عناوین دیگری از قبیل آموزش به کمک فناوری ارتباطات و اطلاعات، آموزش مجازی، آموزش با کامپیوتر و حتی آموزش نوین حضوری نیز مطرح می‌شود. با توجه به شعار آموزش الکترونیکی که در عبارت «هر کس، هر کجا، هر وقت» مستتر است، می‌توان بنا به قول کاناکاراجا به هدف این نوع آموزش که همانا شکستن حصارهای زمانی و مکانی و «افزایش فرصت‌های یادگیری است»، پی برد (کاناکاراجا، ۲۰۰۲، ص ۱۴۳). آموزش الکترونیکی در مقایسه با آموزش کلاسیک در دو مورد، یعنی محیط آموزش و محتوای آموزش، ادعاهای گوناگونی را بعضاً با چاشنی‌های تبلیغاتی مطرح می‌کند. از جمله ادعاهای مطرح شده در باب محیط آموزش عبارتند از:

- کاهش هزینه‌های جنبی آموزش، از جمله هزینه رفت و آمد معلم و متعلم به محل آموزش،

- محیط آموزشی همیشه در دسترس، بدون وابستگی به مکان و یا زمان خاص،

- ارزیابی دروس توسط متعلم، قبل از تصمیم قطعی برای شرکت در کلاس درس،

- امکان پیمودن مسیر آموزش با سرعت و عمق قابل تنظیم از طرف متعلم.

همچنین در باره محتوا نکات زیر مورد تأکید قرار می‌گیرد:

- به روز بودن محتوای آموزش،

- ارائه بهتر محتوا با استفاده از امکانات فناوری اطلاعات،

- عدم وابستگی کیفیت ارائه محتوا به حالات روحی و موضعی فرد انتقال‌دهنده آموزش،

- امکان دسترسی، تکرار، بازیابی و بازخوانی محتوای آموزش بدون محدودیت،
- تمرین بهتر محتوا، آزمون بیشتر و ارزیابی سریع‌تر در یادگیری عمیق‌تر،
- یادگیری بهتر به خاطر مدولار بودن و جزء جزء بودن محتوای آموزش.

حال چنانچه به آموزش الکترونیکی امکان پیگیری و ردگیری دائم تمامی فعالیت‌های آموزشی معلم و متعلم را اضافه نمایم، خود به خود تعریفی از آموزش نوین حضوری (-O Learning) ارائه داده‌ایم. این نوع آموزش، گونه‌ای متفاوت با آموزش الکترونیکی و حتی با آموزش کلاسیک است. تفاوت اساسی آموزش الکترونیکی با آموزش نوین حضوری به نحوه حضور معلم و متعلم در محیط‌های آموزشی برمی‌گردد. در اولی آموزش به کمک فناوری مدرن بدون نیاز به حضور همزمان طرفین آموزش صورت می‌گیرد، ولی در دومی اولاً آموزش حضوری است، یعنی عرضه و ارائه آموزش به گونه‌ای است که مانند آموزش کلاسیک با حضور همزمان طرفین آموزش و با تعریف زمانبندی خاص صورت می‌گیرد، ثانیاً امکان ثبت تمامی تعاملات متعلم و معلم به منظور ردگیری و پیگیری تمامی فعالیت‌های یادگیری و یاددهی آن‌ها وجود دارد (مک گی، پایگاه اینترنتی Edmonton Community Network). این مورد آخری وجه متمایز و شاید مهمترین خصیصه منحصر به فرد آموزش نوین حضوری در مقایسه با آموزش کلاسیک باشد. با توجه به امکان تعامل بیشتر و بهتر بین طرفین آموزش در آموزش نوین حضوری، لولر و آریستار (۱۹۹۸، ص ۶۵) بر این باورند که معلمان می‌توانند با تکیه بر داده‌های آموزشی در جهت هر چه بهتر شدن کیفیت تدریس و مطالب آموزشی خویش گام بردارند. از جمله امکاناتی که آموزش نوین حضوری در اختیار معلمان قرار می‌دهد عبارتند از:

- ثبت و بازیابی مطالعات متعلم در فضایی تقریباً نامحدود،
 - امکان بررسی سطح و عمق تعاملات طرفین آموزش،
 - پیگیری و ردگیری میزان مراجعه به هر درس به منظور ارزیابی میزان سختی و راحتی محتوای درس،
 - امکان حک و اصلاح سریع مطالب عرضه شده.
- با در نظر گرفتن دو مقوله مهم آموزش، یعنی «طرح مسئله» و «کسب راه‌حل(ها)»،

تفاوت‌های آموزشی و تربیتی هر یک از انواع مختلف آموزش و یا تلفیقی از آن‌ها در جهت ارائه و انتقال محتوا، بهتر نمایان می‌گردد:

الف- آموزش کلاسیک: آموزش مستقیماً از طریق مدرس و در محیطی تعیین شده با محدودیت‌های مکانی و زمانی، بدون امکان ارزیابی و ردگیری فعالیت‌های آموزشی خارج از کلاس صورت می‌گیرد. طرح مسأله بستگی به شیوه تدریس معلم دارد و ارائه راه حل و یا حصول آن، هنگامی صورت می‌گیرد که یا معلم آن را پیش‌بینی کرده است و یا درخواست صریح از طرف متعلمان مطرح می‌شود.

ب- آموزش از راه دور: آموزش در محیطی که معلم و متعلم از نظر زمانی و مکانی از یکدیگر جدا هستند، حادث می‌شود. محتوای آموزش به طرق دستی و چاپی آماده می‌گردد و با استفاده از امکانات سنتی (پیک و پست) به دست متعلم می‌رسد. ابزارهای آموزشی مورد استفاده نیز عمدتاً دستگاه‌های صوتی و تصویری هستند. از نظر تربیتی و آموزشی، ارائه راه‌حل‌ها در قالب پاسخ‌های از پیش آماده شده‌ای صورت می‌گیرد که معلم طرح آن‌ها را از سوی متعلم از قبل پیش‌بینی کرده است.

ج- آموزش الکترونیکی: از نظر تربیتی و آموزشی مانند آموزش از راه دور است، با این تفاوت که محتوای آموزش با قابلیت‌های فناوری مدرن و با کیفیت بهتر آماده شده است. انتقال محتوا از طریق سنتی (پیک و پست) و در قالبی جدید (سی‌دی و یا فایل‌های فشرده) به دست متعلم می‌رسد. تفاوت دیگر آن با آموزش از راه دور، ضرورت تجهیز متعلم به حداقل‌های تعریف‌شده (کامپیوتر، نرم افزارها و ...) است.

د- آموزش نوین حضوری: از نظر تربیتی و آموزشی، همانند آموزش کلاسیک است. آموزش در محیطی حضوری با ابعاد زمانی و مکانی تعریف شده اما به شکلی وسیع‌تر ارائه می‌گردد. ارزیابی و ردگیری فعالیت آموزشی فراگیر به طور کامل وجود دارد. تجهیز فراگیر به سخت افزار و نرم افزار تعریف شده ضروری است.

ه- آموزش تلفیقی: همانگونه که از نام آن پیداست، تلفیق آموزش کلاسیک با انواع دیگر آموزش است. در این نوع آموزش از وسایل کمک‌آموزشی سنتی و مدرن برای کاری معین و در چارچوبی مشخص برای تکمیل و تعمیق آموزش کلاسیک استفاده می‌شود.

مقایسه انواع آموزش

آموزش کلاسیک می‌تواند با تکیه بر تجربیات بسیار طولانی و اطلاعات و تحقیقات بی‌شمار در زمینه شیوه مناسب تدریس و نحوه ارائه و انتقال دانش، مورد ارزشیابی و ارزیابی قرار گیرد. از آنجا که هنوز فراگیری که دوره آموزشی خود را به طور کامل صرفاً در بستر آموزش الکترونیکی طی کرده باشند وجود ندارند، قضاوت قطعی درباره کیفیت و کمیت قابلیت‌های این نوع آموزش باید بسیار محتاطانه و بر اساس داده‌های قابل اندازه‌گیری در تمامی مؤلفه‌های آموزشی باشد.

مقایسه آموزش کلاسیک با آموزش الکترونیکی و آموزش نوین حضوری و در تقابل قرار دادن آن‌ها با هم می‌تواند قابلیت‌ها و یا عدم قابلیت‌های هر یک را تا اندازه‌ای روشن‌تر نماید. با مطالعه فاکتورها و پارامترهای ذکر شده و مقایسه مطالب جدول زیر، تفاوت‌ها و یا تشابهات هر یک از انواع آموزش، بهتر مشخص می‌شود. از آنجا که تعریف و توصیف هر کدام از موارد مطرح شده خارج از چارچوب مقاله حاضر است، فقط به ذکر عناوین اکتفا شده است.

همانگونه که از جدول شماره ۱ برمی‌آید، تعاریف پارامترهای هر فاکتور در بسترهای مختلف در بیشتر موارد متفاوت از یکدیگر است. به عنوان مثال در فاکتور دانش، تنها مورد یکسان، پارامتر اندازه دانش در آموزش الکترونیکی و آموزش نوین حضوری است. همچنین در فاکتور نظارت، پارامترها در بسترهای آموزشی بجز در یک مورد متفاوت از دیگری است. از آنجا که فاکتور آموزش، مرکز ثقل تمامی بسترهای آموزشی است، توجه به پارامترهای این فاکتور، به خصوص در زمینه ارائه و تولید محتوا، ضروری است. همچنین طراحی، سیاست‌گذاری و هدایت طرفین آموزش به سمت هر کدام از انواع آموزش نیز باید با توجه به پارامترهای مربوط به فاکتور نگرش صورت‌پذیرد. شایان ذکر است که فاکتور ظرفیت‌های فنی که در این مقایسه نادیده گرفته شده است نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا همانگونه که پولست مطرح می‌کند، با گسترش بسترهای ارتباطی، از یک طرف امکان ارتباط (تمامی کشورها) با یکدیگر بیشتر شده است (پولست، ۲۰۰۳، ص ۱۴) اما از طرف دیگر، هنوز محدودیت ظرفیت‌های فنی، امکان استفاده کامل از آنچه را که از بعد نظری قابل انجام است، نمی‌دهد.

جدول شماره ۱

فاکتور: دانش (محتوا)			
o-Learning	e-Learning	c-Learning	نوع آموزش پارامتر
تقسیم‌شده - جزئی	تقسیم‌شده - جزئی	یکجا - کلی	اندازه
(تقریباً) نامحدود - تقریباً وابسته	محدود - (تقریباً) وابسته	محدود - وابسته	گسترش
از معلم و محیط دیجیتال به متعلم	از محیط الکترونیکی به متعلم	از معلم به متعلم	انتقال
فاکتور: نظارت			
تقریباً نامحدود	محدود	بسیار محدود	ردگیری
متعلم محور - فعالانه	متعلم محور - فعالانه	معلم محور - بیشتر انفعالی	یادگیری
آزمون محور / نامحدود	آزمون محور - تقریباً نامحدود	آزمون محور - محدود	سنجش
فاکتور: آموزش			
فراهم‌کننده (و ارائه‌دهنده) محتوا	فراهم‌کننده محتوا	ارائه‌دهنده محتوا	معلم
دارای دانش متغیر، نیازمند تعمیق	دارای دانش ناقص، نیازمند تکمیل	(بیشتر) فاقد دانش	متعلم
حضور، درخواستی، جزء به جزء	ضبط‌شده، قالبی	حضور، (اکثراً) یکجا	ارائه
متعلم محور، متغیر	متعلم محور، ثابت	معلم محور، متغیر	تنبیه
تعریف‌شده، متغیر	تعریف‌شده، ثابت	تعریف‌شده، متغیر	عمق
باز (تعریف‌شده) و متغیر	باز	بسته	محیط
فاکتور: نگرش			
تحول آموزش	انتقال آموزش	حفظ آموزش	تفکر
نزد متعلم (بر اساس طرح درس)	نزد متعلم (بطور کامل)	نزد معلم	مسئولیت
حرفه‌ای - گروهی	حرفه‌ای - گروهی	حرفه‌ای - انفرادی	طراحی
گروهی	گروهی	فردی	تولید
نامحدود	تقریباً نامحدود	بسیار محدود	دسترسی

آموزش الکترونیکی با جذابیتی که فناوری مدرن در اختیار آن می‌گذارد، ممکن است بیشتر خود مورد توجه قرار گیرد و محتوای آموزش و اصل مهم یادگیری به درجات پایین‌تر نزول یابد. از این‌رو لازم است که ضمن مقایسه کارایی و قابلیت‌های انواع آموزش، امکانات هر یک از آن‌ها در پاسخگویی به شرایط و نیازهای آموزشی، به طور دقیق ارزیابی و بررسی شود. به تعبیری بهتر، برآورده کردن انتظارات متعلمان و معلمان در بسترهای آموزشی، فقط با استفاده بجا از امکانات فنی و منابع علمی، تسریع روند استفاده از این امکانات در آموزش و خروج از بعد تبلیغاتی محقق می‌شود. تجربیات محدود و داده‌های ناقص درباره آموزش الکترونیکی به معنی اعم کلمه، بیانگر این نکته است که فعالان و طراحان حوزه آموزش، هنوز راهی دراز در چگونگی استفاده و مهم‌تر از همه، نحوه ارائه محتوای آموزش (به صورت الکترونیکی) دارند. جوانب منفی و یا قابل تأمل آموزش الکترونیکی و یا نوین، از جمله انزوای اجتماعی، خارج شدن از حوزه تربیت عمومی، کاهش مفهوم یادگیری به یک سری مهارت‌ها و اطلاعات علمی و فنی هر رشته، و همچنین خلاصه شدن بحث علمی به سؤال و جواب محدود (شول مایستر، ۱۹۹۷، ص ۲۰۸)، احساس دست‌یافتن به ابزاری که نوشداروی تمامی معضلات آموزش است و همچنین سعی در ساختن لباسی که قالب و اندازه هر پیکری (اعم از معلم در بعد تولیدی و متعلم در بعد مصرف) باشد و مسائل مختلف دیگر باید در اقدامات عملی و از دیدگاه‌های مختلف نظری مورد پژوهش قرارگیرد. تحقیق مستمر همراه با کاربرد فکورانه پژوهش محور آموزش نوین در بسترهای مطرح‌شده، از الزاماتی است که باید قبل از تبدیل انتخاب امروز به ضرورت و اجبار فردا صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

تغییر در رفتار آموزشی و همچنین در تصویری که از نظام آموزشی وجود دارد، با نیاز به شیوه‌های متنوع و استفاده از محتوای آموزش، بدون وابستگی به زمان و مکان (و فرد مدرس)، دسترسی با محدودیت کمتر به اطلاعات موجود در شبکه‌های مختلف و همچنین یادگیری سریع‌تر (و بهتر) عجین شده است. مقایسه انواع آموزش و مقایسه اجباری و دائمی آموزش الکترونیکی با آموزش کلاسیک، از یک طرف زمینه را برای به چالش کشیدن و نشان دادن

قابلیت‌ها و یا عدم توانایی‌های هر یک مهیا ساخته است و از طرفی دیگر خصیصه‌های مثبت آموزش‌های نوین حضوری، از جمله بهره‌گیری از امکانات چند رسانه‌ای، عدم وابستگی به حالات روحی موضعی و یا دوره‌ای مدرس (و فراگیر)، ادعای کیفیت بالاتر و ارائه بهتر دانش (با شعار در اختیار داشتن خصیصه‌های مثبت آموزش حضوری)، متعلم را در شرایطی بهتر قرار داده است و معلم را وادار کرده تا در ارائه تدریس خویش (قدری) فکورانه‌تر حرکت کند.

منابع

- 1- Canagarajah, A. S., "Globalization, methods, and practice in periphery classrooms". In: Block, D./Cameroon, D., *Globalization and Language Teaching*. London, Routledge, 2002.
- 2- Kurzel, F., *Towards a personalised Learning Environment*. <http://ausweb.scu.edu.au/aw03/papers/kurzel/paper.html>
- 3- Lawler, J./Aristar Dry, H., *Using Computers in Linguistics, A practical Guide*. London, Routhledge, 1998.
- 4- McGee, D., *Creating Global Communities of Learners in the Online Classroom*. <http://home.edmc.net/~vla/articles/communities.html/>
- 5- Naber, L./Köhle, M., *If E-Learning is the answer, what was the problem?* <http://ausweb.scu.edu.au/aw02/papers/refereed/kohle/paper.html/>
- 6- Pulst, E./Finkbeiner, T., *Digitale Brücken*. Köln, RSP, 2003.
- 7- Schulmeister, R., *Grundlagen hypermedialer Lernsysteme*. München, Oldenburg, 1997.